



طرح تحول غذا، گامی بزرگ برای دستیابی به محصولات غذایی ایمن

دکتر منان حاجی محمودی معاون غذا و داروی دانشگاه ضمن تشریح جزئیات طرح تحول غذا، با اشاره به برخی نگرانی‌ها و شایعات مانند مصرف محصولات تراریخته، تاکید کرد محصولات تغییر ژنتیک یافته، پس از تأیید سازمان غذا و دارو مجوز عرضه دریافت می‌کنند.

دکتر حاجی محمودی، طرح تحول غذا را از اقدامات پیشگیرانه وزارت بهداشت در حوزه سلامت دانست و افزود: این طرح از اواسط سال ۹۴، در چند محور به‌طور جدی پیگیری می‌شود.

وی با اشاره به کنترل فرآورده‌های غذایی در مرحله تولید گفت: با توجه به شیوع بیماری‌های غیرواگیر، تمرکز بر کاهش مخاطرات بیماری‌های قلبی عروقی از اولویت‌های سازمان غذا و دارو قرار دارد به‌طوری‌که در مرحله صدور پروانه، برخی فاکتورهای مخاطره‌آمیز مانند کاهش میزان اسیدهای چرب اشباع، اسیدهای چرب ترانس، نمک، درصد قند فرمولاسیون و... به شکل سخت‌گیرانه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد تا پروانه‌هایی که از سوی سازمان غذا و دارو و معاونت‌های مربوطه صادر می‌شود سلامت محور باشد.

معاون غذا و داروی دانشگاه، درخصوص اسیدهای چرب

ترانس توضیح داد و گفت: این اسید در مرحله هیدروژناسیون یا اشباع روغن‌های گیاهی معمولاً ایجاد می‌شود و در حال حاضر بیشتر در کره‌های گیاهی یافت شده و به نظر متخصصان امر از جمله ریسک فاکتورهای تشدیدکننده بیماری‌های قلبی عروقی محسوب می‌شود و نسبت به اسیدهای چرب اشباع و چربی‌های جامد مخاطرات جدی‌تری را ایجاد می‌کنند.

دکتر حاجی محمودی، با اشاره به برنامه پایش محصولات غذایی در سطح عرضه گفت: سلامت فرآورده‌های غذایی در طرح PMS (Post Marketing Surveillance) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این طرح نمونه‌برداری از سطح عرضه صورت گرفته و کلیه دانشگاه‌ها موظف به رصد و بررسی ایمنی محصولات در سطح عرضه تحت پوشش خود هستند.

وی با بیان اینکه در طرح PMS کشوری، حجم کاری امسال نسبت به سال گذشته سه برابر افزایش یافته است افزود: امسال ۶۰ نوع محصول فرآوری شده غذایی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی در دستور کار کنترل دانشگاه قرار گرفته و در مجموع از این ۶۰ نوع محصول، ۵۰۰ نمونه‌برداری تاکنون صورت گرفته و برای آزمون‌های ایمنی به آزمایشگاه ارسال شده است.

معاون غذا و داروی دانشگاه یادآور شد: نمونه‌های تهیه‌شده، طبق آزمون‌های پیش‌بینی شده در استاندارد ملی و از نظر برخی مخاطرات احتمالی، مورد آزمون قرار می‌گیرند به‌طوری‌که بیش از ۴ هزار آزمون بر روی محصولات، انجام می‌شود که تقریباً همگی بر اساس مخاطرات ایمنی بوده و به‌طور مستقیم ایمنی محصولات را رصد می‌کنند.

وی با بیان اینکه نمونه‌ها از تولیدات کارخانه‌های سراسر کشور تهیه می‌شود افزود: در صورتی‌که عدم انطباق محصولات محرز شود با معاونت‌های غذا و داروی مربوطه جهت پیگیری بیشتر و در صورت لزوم برخوردهای قضایی مکاتبه می‌شود.

دکتر حاجی محمودی در خصوص برخی از این آزمون‌ها توضیح داد: از جمله آزمون‌هایی که در حال حاضر در الویت کنترل سطح عرضه قرار دارد می‌توان به نگرانی از افزودن وجود وایتکس برای کاهش بار میکروب در شیر،

را در سطح عرضه بررسی می‌کند و در صورت تقلبی بودن دستور پیگیری‌های لازم توسط اوامر قضایی صادر می‌شود. دکتر حاجی محمودی با اشاره به سامانه‌های مختلفی که در زمینه قاچاق راه‌اندازی شده است افزود: برچسب ردیابی و کنترل اصالت کالا، بر روی محصولات وارداتی درج شده تا از طریق کدها و شماره ارتباطی سازمان غذا و دارو، اعتبار کالا قابل استعلام باشد. به این ترتیب هر یک از مصرف‌کنندگان می‌توانند به‌عنوان بازرس به سامانه‌ی سطح عرضه کمک کنند.

معاون غذا و دارو دانشگاه با اشاره به قانون مبارزه با قاچاق که در اواخر سال ۱۳۹۲ پس از بررسی‌های کارشناسی فراوان بازنگری و ابلاغ شده است گفت: در این قانون وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی به‌عنوان متولیان سلامت جامعه موظف هستند در خصوص قابلیت مصرف کالاهای قاچاق کشف‌شده ظرف مدت ده روز کاری اعلام نظر کنند.

وی افزود: به این اساس حجم کاری تحمیل شده به دانشگاه‌ها از نظر نیروی کارشناسی، تجهیزات و مواد مورد نیاز به‌منظور بررسی این کالاها بسیار بوده که امید است با هماهنگی مسئولان امر قدم‌های مثبتی در این خصوص برداشته شود.

معاون غذا و دارو دانشگاه، از درج برچسب چراغ راهنمایی بر روی ۸۰ درصد محصولات داخلی خبر داد و گفت: دانشگاه‌ها موظف شدند فاکتورهای مخاطره‌آمیز مانند اسیدهای چرب اشباع و ترانس، میزان نمک و انرژی فرآورده‌های غذایی را از طریق سه رنگ سبز، زرد و قرمز بر روی محصولات مشخص کنند و بدین ترتیب امکان انتخاب سالم‌تر را در اختیار مصرف‌کننده قرار دهند. برای مثال نوشیدنی دوغ که از نظر میزان نمک در محدوده سبز رنگ قرار دارد، نسبت به محصول مشابه که در محدوده زرد قرار دارد از غلظت نمک کمتری برخوردار بوده و انتخاب مناسب‌تری برای بیماران قلبی عروقی و دیگران است.

دکتر حاجی محمودی در بخش دیگری از سخنان خود با واکنش به نگرانی که از محصولات تراریخته وجود دارد افزود: محصولات تراریخته (GMO) از سال‌ها قبل در وزارت بهداشت مطرح بوده و موضوع جدیدی نیست.

احتمال مصرف بلانکیته به‌عنوان سفیدکننده در نان، وجود برخی افزودنی‌ها مانند نگهدارنده میکروبی مانند ناتاماسین به محصولات لبنی، بررسی تقلبات محصولات گوشتی مانند افزودن خمیر مرغ به سوسیس و کالباس، بررسی احتمال افزودن رنگ به زعفران، بررسی احتمال افزودن روغن پالم به محصولات لبنی حیوانی و بسیاری موارد دیگر اشاره کرد. این درحالی است که سطح عرضه مواد غذایی به خصوص در واحدهایی که به‌صورت صنفی فعالیت می‌کنند، توسط همکاران خوب معاونت بهداشتی به‌صورت مرتب پایش می‌شود و به‌طور متوسط ۷۰ درصد نمونه‌های آزمایش‌شده توسط آزمایشگاه معاونت غذا و دارو به نمونه‌های ارسالی از طرف شبکه‌ها و به‌منظور کنترل محصولات واحدهای صنفی مانند نانواپی‌ها و ... اختصاص دارد.

دکتر حاجی محمودی با اشاره به اولویت دیگر طرح تحول غذا گفت: بررسی تقلبات محصولات غذایی که به برخی از آنها در بالا اشاره شد، به آزمایشگاهی مجهز با تکنیک‌های دستگاهی به‌روز نیاز دارد، از این‌رو تجهیز آزمایشگاه‌های کنترل کیفیت در اولویت دیگر طرح تحول غذا قرار گرفت.

وی افزود: برای سنجش برخی فاکتورها مانند میزان سموم باقی‌مانده محصولات کشاورزی، میکوتوکسین (قارچ‌های مولود سم) و بعضی آلاینده‌های دیگر نیاز به تکنولوژی‌های پیشرفته گران قیمت وجود دارد؛ بنابراین از مدت‌ها پیش سعی شد با تأمین اعتبارات مورد نیاز از منابع خارج از دانشگاه، خرید دستگاه‌های مورد نیاز جهت اندازه‌گیری و پایش مناسب این عوامل در دستور کار قرار گیرد.

معاون غذا و دارو دانشگاه، با اشاره به کنترل واردات مواد غذایی گفت: در زمینه مبارزه با قاچاق، تلاش جدی از سوی وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی صورت گرفته است و محصولات قاچاق کشف‌شده در حال حاضر امحا و گزارش‌های خبری آن نیز به‌طور مرتب منتشر می‌شود.

وی افزود: از ابتدای تیرماه تاکنون دانشگاه در گشت مشترک با نیروی انتظامی، دادسرا، تعزیرات، اصناف و گمرک، روزانه در چند اکیپ کاری بررسی اصالت کالاها





وی با بیان اینکه GMO تغییر ژنتیکی است که به دلایل مختلفی در محصولات ایجاد می‌شود افزود: برای مثال سویا به یک نوع قارچ کشاورزی مقاوم نیست که از تغییر ژن‌ها، برای کاهش احتمال آلودگی آن به این قارچ و به‌منظور تولید بیشتر محصول باکیفیت، استفاده می‌شود. در مثالی دیگر با تغییرات ژنتیکی، میزان رشد عمودی ریشه را برای دسترسی به آب افزایش می‌دهند تا بتوانند میزان تولید را بالا ببرند. در مجموع همه محصولات داخلی و وارداتی تراریخته از سوی سازمان غذا و دارو مورد بررسی قرار گرفته و پس از تأیید عرضه می‌شوند و ورود این محصولات در همه کشورها رایج بوده و شاید با توجه به نیاز بالای جامعه به محصولات غذایی اجتناب‌ناپذیر باشد.

معاون غذا و دارو دانشگاه، در پایان سخنان خود، ضمن تشکر از همکاران پرتلاش خود در معاونت غذا و دارو، معاونت بهداشت و شبکه‌ها، طرح تحول غذا را گامی بزرگ برای دستیابی به محصولات غذایی ایمن دانست و اظهار امیدواری کرد با پیگیری‌های مؤثر بتوان سفره‌ای رنگین و سالم برای خانواده خوب ایرانی فراهم ساخت. ▲

دانشگاه فناور، محور اقتصاد دانش بنیان است

دکتر محمدرضا منظم، مدیر دفتر همکاری دانشگاه، صنعت و جامعه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران ضمن اشاره به لزوم تجاری سازی ایده‌های دانش بنیان در حوزه سلامت، دانشگاه را محور اقتصاد دانش‌بنیان خواند و از ایجاد بستری مناسب در این خصوص در دومین همایش و فن بازار ملی سلامت خبر داد.

دکتر محمدرضا منظم مدیر دفتر همکاری دانشگاه، صنعت و جامعه در خصوص لزوم بهره‌گیری هرچه بیشتر از دستاوردهای دانش محور و هم چنین فراهم کردن فضای مساعد برای شکوفایی استعدادهای بالقوه و ترویج فرهنگ کسب و کار دانش‌بنیان گفت: برای تحقق چشم انداز سند بیست ساله کشور و رسیدن به جایگاه اول در منطقه باید استراتژی اقتصادی به سمت اقتصاد دانش بنیان تغییر یابد.

منظم تصریح کرد: دانشگاه علوم پزشکی تهران با برگزاری اولین همایش و نمایشگاه فناوری سلامت در سال ۹۴ نخستین گام خود را برای پایه‌ریزی اقتصاد دانش‌بنیان در این حوزه برداشته و ضمن تعامل مستمر با سازمان‌های کارفرمایی و شرکت‌های فعال حوزه سلامت در پی بهره‌گیری از توان حداکثری خود برای توسعه این اقتصاد در حوزه سلامت است.

وی از برگزاری دومین همایش و فن بازار ملی سلامت خبر داد و افزود: این فن بازار امسال با شعار «دانشگاه فناور، محور اقتصاد دانش‌بنیان» در جهت تکمیل هر چه بهتر فرایند انتقال دانش به بخش‌های ساخت و تولید فناوری‌های سلامت و تسهیل فرایند تجاری سازی ایده‌های علمی برگزار می‌گردد.

منظم اظهار امیدواری کرد: تا از طریق ایجاد همگرایی بین بخش‌های علمی و صنعتی و با بهره‌گیری از دانش ملی بتوان در راستای تبدیل علم به ثروت قدم برداشت و به اهداف اقتصاد مقاومتی در نقشه جامع علمی کشور تحقق بخشید.

لازم به ذکر است که دومین همایش و فن بازار ملی سلامت توسط دانشگاه علوم پزشکی تهران با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری ۱۸ و ۱۹ آبان ماه سال جاری برگزار می‌گردد. ▲

درآورده است.

رئیس دانشکده فناوری‌های نوین دانشگاه علوم پزشکی تهران ثبت همه شرکت‌های دانش‌بنیان دارای مجوز و سازمان‌های کارفرمای فعال در حوزه سلامت را در این سامانه بلامانع خواند و از دست‌اندرکاران این حوزه دعوت کرد تا با مراجعه به تارنمای [۹۴/htcd.tums.ac.ir](http://htcd.tums.ac.ir) از این سامانه بازدید نمایند.

توضیح اینکه دومین همایش و فن‌بازار ملی سلامت آبان ماه سال جاری برگزار خواهد شد. ▲

گفت‌وگو با دارنده مدال طلای المپیاد در حیطه‌ی استدلال بالینی

مرکز رشد استعدادهای درخشان با محمدرضا نادرین، دانشجوی پزشکی ورودی ۸۸ و دانشجوی دوره‌ی MPH، حائز مدال طلای هشتمین دوره‌ی المپیاد علمی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور در حیطه‌ی استدلال بالینی گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

آقای نادرین، ضمن تبریک برای کسب این موفقیت بزرگ، ارزیابی شما از هشتمین المپیاد علمی دانشجویان علوم پزشکی کشور چگونه بود و سطح علمی المپیاد را چطور دیدید؟

به نظر بنده، سؤالات طراحی شده در حیطه‌ی استدلال بالینی سؤالات بسیار خوبی بودند و نسبت به دوره‌های گذشته دقیق‌تر، جذاب‌تر و البته مشکل‌تر طراحی شده بودند. این نکته هم در طراحی سؤالات آزمون انفرادی و هم در طراحی سؤالات آزمون گروهی، کاملاً ملموس بود.



از سامانه مجازی «فن بازار ملی سلامت» رونمایی می‌شود

دکتر علیرضا احمدیان، رئیس دانشکده فناوری‌های نوین دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران رونمایی از سامانه مجازی «فن بازار ملی سلامت» را گامی مهم در حمایت از ایده‌های نو و دستاوردهای نوین فناورانه دانست.

دکتر علیرضا احمدیان رئیس دانشکده فناوری‌های نوین دانشگاه علوم پزشکی تهران ضمن اشاره به برگزاری دومین همایش و فن‌بازار ملی سلامت در آبان ماه سال جاری گفت: تشویق محققان و مخترعان و حمایت از استعدادهای بالقوه در حوزه فناوری موجب پویایی بیشتر تحقیقات کاربردی و محصول محور در دانشگاه‌ها می‌گردد و پیشگامی دانشگاه علوم پزشکی تهران در این مسیر گامی سودمند به‌سوی پیشرفت و خودکفایی کشور است.

احمدیان از رونمایی سامانه مجازی «فن بازار ملی سلامت» هم‌زمان با دومین دوره این همایش خبر داد و افزود: دانشگاه علوم پزشکی تهران با سیاست استفاده حداکثری از ظرفیت علمی داخلی برای رشد و توسعه در حوزه سلامت به دنبال نهادینه کردن روحیه پژوهش محوری در این بخش است.

وی فعالیت این سامانه را مستمر خواند و تصریح کرد: برای بهبود هر چه بیشتر ارتباط میان بخش علمی و فناوری با بخش‌های صنعتی و کاربردی فعالیت این سامانه محدود به زمان برگزاری همایش نبوده و دانشگاه علوم پزشکی تهران این سامانه را با پشتیبانی دائمی در طول سال به خدمت شرکت‌های دانش‌بنیان و سازمان‌های کارفرمایی

و آقای بابک ستارتبار که هر دو از دوستان من در ورودی ۸۸ هستند، توانستیم رتبه‌ی اول بخش تیمی را نیز به دست آوریم.

کلاس‌های آمادگی شرکت در المپیاد که در مرکز رشد استعدادهای درخشان برگزار شد چه کمک‌هایی به شرکت‌کنندگان کرد؟

کلاس‌های المپیاد بالینی، کلاس‌های بسیار خوبی بودند. هم بنده و هم سایر دوستانم در تیم استدلال بالینی دانشگاه، روز اولی که شروع به شرکت در کلاس‌ها کردیم، هیچ دیدی نسبت به نحوه‌ی برگزاری آزمون نداشتیم. نه با سبک سؤالات آشنا بودیم، نه با مباحثی که در این آزمون از آن‌ها سؤال می‌شد و نه با نحوه‌ی پاسخ‌دهی به سؤالات. به سهم خودم، تشکر فراوان از استاد عزیزمان، آقای دکتر رایکا جمالی دارم که به‌تنهایی و بسیار صمیمانه و با برخوردی باز، نه تنها در بعد تدریس، هر چه در توان داشتند را به ما منتقل کردند، بلکه در تمام این مدت در کنار تیم استدلال بالینی بودند و از حیث انگیزه بخشی از هیچ تلاشی دریغ نکردند. از شرکت‌کننده‌های دوره‌های پیشین نیز باید صمیمانه ممنون باشیم. خانم‌ها آرزو شفیعیون، ریحانه اتحادی و پریا عبدالعلی‌زاده، بسیار خوب، ما را راهنمایی کردند.

علاوه بر آن، لازم می‌دانم از محبت‌های همیشگی استاد ارجمندمان، خانم دکتر پاسالار که طی تمامی سال‌های تحصیل از هیچ تلاشی برای دانشجویان دریغ نمی‌کنند و خانم محمدی، کارشناس المپیادها در مرکز تشکر کنم.

و کلام آخر ...

فکر می‌کنم از یک دیدگاه، اگر به المپیاد نگاه کنیم، شاید به‌نوعی بتوان المپیاد را فرصتی دانست برای آن‌که دانشجوی پزشکی، فقط معطوف به یک دانشجوی کوشا در پشت میز کتابخانه نباشد. اساتید ما و افرادی که سال‌ها در این مسیر بی‌نهایت قدم برداشته‌اند، همیشه این نکته را به ما گوشزد می‌کنند که نیاز جامعه‌ی ما، صرفاً معطوف به داشتن تعدادی پزشک ایدئال نیست؛ بلکه نیاز ما، پزشکانی خلاق، کارآفرین، مدیر، راهبر، متفکر و البته خبره در کار خود است که بتوانند تغییراتی عمیق و تأثیراتی قابل توجه در جای‌جای نظام بهداشتی، درمانی و آموزشی ما بگذارند.

یک بعد این مسئله، معطوف می‌شود به «سیاست‌گذاری» در سطوح بالادستی که به عقیده‌ی بنده، گرچه کارهای بسیار خوب و قابل ستایشی انجام شده ولی کافی نیست؛ شاهدش هم این است که هنوز هم بالاترین اهداف خیلی از دانشجویان پزشکی، معطوف به قبول شدن در رشته‌هایی خاص و کسب درآمدهای بالا شده است.

هدف از برگزاری المپیاد در این حیطه، ارزیابی دانش بالینی توأم با سنجش توانایی استدلال بالینی در تشخیص و درمان بیماری‌هاست و امسال، سؤالات به‌گونه‌ای طراحی شده بود که همزمان هر دوی این مهارت‌ها را در کنار هم می‌سنجید. باینکه اغلب سؤالات بر علائم بالینی شایع متمرکز بود، ولی نحوه‌ی طراحی، دقت به برخی نکات ظریف و کنار هم قرار دادن دانش بالینی و قدرت استدلال، باعث شد که پاسخ دادن به سؤالات، کار چندان ساده‌ای نباشد. بعد از برگزاری آزمون انفرادی در روز اول، به شوخی به بعضی از دوستانم گفتم که بعد از مدت‌ها دوری از «حل مسئله»، بعد از این امتحان حقیقتاً خسته شدم و احساس می‌کنم که در یک امتحان، مجبور شدم از تمامی مغزم استفاده کنم! در مراسم اختتامیه هم خدمت‌طراحان و دست‌اندرکاران، این مورد را به‌عنوان بازخوردی مثبت ارائه دادم و آرزو کردم روزی ارزیابی دانش بالینی دانشجویان پزشکی، با تکیه بر استدلال بالینی و نه فقط محفوظات، صورت گیرد.

با شرکت در المپیاد چه تجربیات مفیدی را به دست آوردید، آیا شرکت در المپیاد را به دانشجویان توصیه می‌کنید؟

مسلماً شرکت در چنین آزمون‌هایی را توصیه می‌کنم. به نظر بنده و به‌عنوان یک دانشجوی، یکی از آفت‌هایی که در دانشگاه وجود دارد، این است که تمرکز اکثر ما، بیشتر بر مطالعه‌ی دروس و کسب دانش بالینی است و به‌جز در بعضی بخش‌های بالینی محدود، توجه چندان‌ی به نحوه‌ی استدلال و برخورد با بیمار نمی‌شود. شرکت در این المپیاد، از چند دیدگاه، برای من مفید بود. از همه مهم‌تر، با نحوه‌ی برخورد با بیماران و اسلوب مشخصی که باید در تشخیص و درمان، به آن متکی باشیم آشنا شدم. دوم این که توانستم نقص‌هایی که تاکنون در مطالعه‌ی دروسم در رشته پزشکی داشتم را بشناسم تا در آینده برطرف کنم. علاوه بر آن، در یک بازه‌ی ۴ ماهه، به همراه دوستانم، یک کار تیمی منسجم و جدی را تجربه کردم که امیدوارم، باز هم فرصتش پیش بیاید تا از این دست تجارب، تکرار شود.

از کار تیمی در المپیاد صحبت کردید. تیم استدلال بالینی، در بخش تیمی چه نتیجه‌ای کسب کرد، آیا به نتیجه‌ی ایدئال رسید؟ خدا را شکر، امسال اولین سالی بود که به‌عنوان تیم استدلال بالینی، توانستیم در این حیطه، برای دانشگاهمان، رتبه‌ای کسب کنیم. به همراه سایر اعضای تیم یعنی خانم نسترن مقبولی





از نحوه شهادت پدر برایمان بگویید.

پدرم متخصص پدافند نیروی هوایی ارتش بود و یکی از افرادی بود که به خاطر تخصص و تعهدش خار چشم دشمن شده بود؛ بنابراین دشمن با طرح برنامه‌ای پدرم را طی یک حمله تروریستی از پیش تعیین شده در جزیره حورالعظیم به شهادت رساند. البته این اولین باری نبود که پدرم مورد سوءقصد قرار می‌گرفت و چون فردی شناخته شده بود بارها و بارها مورد ترور ناکام قرار گرفته بود.

لطفاً در خصوص فعالیت‌های پدرتان قبل از انقلاب و بعد از آن برایمان بگویید.

پدرم از افراد متعهد و مذهبی نیروی هوایی ارتش در زمان شاه بود و در زمان شکل‌گیری انقلاب هم جزء افرادی بود که ارادت خاصی به امام خمینی (ره) داشت و در امر پخش اعلامیه‌های ایشان سعی و تلاش بسیار می‌کرد و حتی چندین بار از طریق نیروهای امنیتی زمان شاه بازداشت و مورد مواخذه قرار گرفته بود و هنگام پیروزی انقلاب هم جزء افرادی بود که با باز کردن انبار اسلحه پایگاه هوایی، اسلحه را در اختیار مردم قرارداد و جزء افراد مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی بود. او در هر تظاهراتی علیه رژیم شاه شرکت می‌کرد و پیرو خط امام بود. در زمان جنگ هم خالصانه و در راه رضای خدا و بی‌هیچ چشمداشتی در هر عملیاتی که در حوزه تخصصی ایشان بود شرکت می‌کرد، بر بسیاری از آن‌ها نظارت داشت حتی با سپاه پاسداران نیز در زمینه‌های تخصصی همکاری داشت.

یک بعد دیگر آن هم مربوط می‌شود به ما دانشجویان. این که یقین داشته باشیم اگر قرار است تغییری ایجاد شود، بخش مهمی از این تغییر باید از سمت ما آغاز گردد و مطمئن باشیم حرکتی که از جانب ما آغاز می‌شود، تأثیر و نتیجه‌ی خودش را در پی خواهد داشت، حتی اگر آن نتیجه به‌طور زود هنگام، برای خود ما ملموس نباشد. از دیدگاه بنده، بخش عظیمی از استعدادها و انرژی دانشجویان که البته خود من هم از این قاعده مستثنا نیستم، صرف رقابت‌هایی می‌شود که دستاورد خیلی بارزی را نه نصیب آینده‌ی دانشجو می‌کند، نه بر موفقیت دانشگاه تأثیر آچنانی می‌گذارد و نه باعث پیشرفتی در کشورمان می‌شود. طراحی رقابت‌هایی مثل المپیاد دانشجویی، علاوه بر این که کمک به تعامل دانشجویان همه‌ی دانشگاه‌ها می‌کند و به کار گروهی توسط دانشجویان، تأکید زیادی دارد، باعث می‌شود نگاه ابتدایی به تحصیل در رشته‌های علوم پزشکی، جای خود را به نگاهی مبنایی تر بدهد. عمیقاً، امیدوارم روزی، توانمندی‌های دانشجویان، در چنین مناسبت‌ها و رقابت‌هایی به کار گرفته شود تا بتوانیم با سرعت بیشتری شاهد برداشته شدن قدم‌هایی بزرگ در حیطه‌های مختلف علمی کشورمان باشیم.

گفت‌وگو با دانشجوی فعال فرهنگی و علمی و فرزند شهید دکتر عالیه پوردست

در ادامه گفت‌وگو با دانشجویان برتر شاهد و ایثارگر این بار به سراغ دکتر عالیه پوردست رفتیم. او در این مصاحبه از رشادتهای پدرش و صبر و تحمل والای مادرش می‌گوید. از اینکه چگونه از مشکلات نهراسید و پا به پای مردان در عرصه‌های علمی و فعالیت‌های اجرایی خوش درخشید و برگ زرین دیگری بر افتخارات این کشور افزود.

خواهشمند است ضمن معرفی، نسبت خود را با ایثارگر بیان کنید.

عالیه پوردست متولد سال ۵۷ در شهر شیراز و فرزند سرتیپ دوم شهید ابوالحسن پوردست هستیم. دو خواهر و یک برادر دارم. خواهر بزرگ‌ترم متخصص زنان و زایمان و فلوشیپ لاپاراسکوپی و از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز است و خواهر کوچک‌ترم که در زمان شهادت پدر هنوز به دنیا نیامده بود در حال تحصیل در رشته دکترای ادبیات انگلیسی است. برادرم هم مهندس مکانیک است. من در سال ۷۵ با معدل ۱۹/۷۵ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شدم و همان سال با کسب رتبه ۴۵ و بدون سهمیه وارد دانشگاه علوم پزشکی شیراز شدم و در سال ۹۱ در مقطع تخصص عفونی دانشگاه علوم پزشکی تهران پذیرفته شدم.



از خصوصیات بارز پدرتان بر ایمن بگویید.

از خودگذشتگی و نوع دوستی پدرم در کل خانواده زبازد بود و هست. البته من در زمان شهادت پدرم فقط هفت سال داشتم و با خصوصیات پدرم از لابه لای صحبت مادر و مادر بزرگ مرحومم آشنا شده‌ام، مادرم از سال ۵۵ جهت سکونت به همراه پدرم به منطقه شکاری پایگاه شکاری بندرعباس رفته بود و تا چند ماه قبل از شهادت پدرم آنجا زندگی کرده بود و خاطرات زیادی از پدرم دارد. البته پدرم بعد از انقلاب به ریاست پایگاه هوایی بندرعباس برگزیده شد و به دلیل رشادت‌هایش نام این پادگان پس از شهادتش به پایگاه پدافند هوایی شهید پور دست تغییر یافت. مادرم می‌گوید وقتی صبح‌ها برای بردن پدرم می‌آمدند یا بعد از مأموریت او را به خانه برمی‌گرداندند او کمی دورتر از خانه، سوار ماشین و یا پیاده می‌شد تا مبادا دیگران فرقی بین خودشان و ما حس کنند و تا زمان شهادت پدرم، حتی مادرم هم از سمت ایشان اطلاعی نداشت. وقتی هم به خرید می‌رفتیم مادر می‌گفت پدرتان به من سفارش کرده در مورد نوع لباس پوشیدن و حتی خرید اسباب‌بازی برای شما دقت کنم تا مبادا چیزی برایتان تهیه کنم که دیگر افراد پایگاه یا فامیل از تهیه آن عاجزند. حتی به مادرم گفته بود هر کس در تهیه لباس و سایر مایحتاج زندگی گرفتار بود کلیه اموال من در اختیار شما هست و لازم است به آن‌ها کمک کنید. پدرم از کمک مالی به سایر همکاران در پایگاه هوایی و اشتغال‌زایی جهت جوانان فامیل بسیار خشنود می‌شد و این عمل را یکی از راه‌های نزدیک شدن به خدا می‌دانست و به ما نیز همیشه می‌گفت کمک به خلق‌الله را سرلوحه اعمال روزمره خود قرار دهید. بعد از شهادت پدرم افراد زیادی از کارکنان نیروی هوایی آمدند و به مادرم گفتند که پدرم از نظر مالی به آن‌ها کمک کرده و تأکید کرده که اگر من شهید شدم نیازی نیست پول برگردانده شود. خلاصه اینکه پدرم آن قدر بخشنده بود که هر جا که می‌رفت دیگران شیفته اعمال و رفتار او می‌شدند (توضیح بیشتر در کتاب زندگینامه شهید ابوالحسن پور دست).

ایشان مدام به مادرم تأکید می‌کرد که اگر من شهید شدم فرزندانم را طوری تربیت کن که پیرو ولایت‌فقیه باشند و به درد مملکت بخورند و بتوانند مشکلات مردم را حل کنند. یکی دیگر از دیگر خصوصیات بارز پدرم احترام به والدین بود. در بین عملیات اگر کوچک‌ترین فرصتی پیدا می‌کرد به دیدن خانواده و اقوامش می‌رفت و به نیازمندان فامیل در حد توان کمک می‌کرد؛ و می‌گفت باید با هم زندگی کنیم نه اینکه فقط به فکر خودمان باشیم؛

به عبارت دیگر مشکل دیگران را مشکل خودش می‌دانست. حتی یادم هست در یکی از مناطق جنگی چشمش آسیب جدی دیده بود و برای استراحت در خانه به سر می‌برد، وقتی مطلع شد پمپ آب محل زندگی آسیب دیده و کسی قادر به تعمیر آن نیست با چشم مجروح وارد تونل شد و پمپ آب را درست کرد تا مردم بی‌آب نمانند. در کنار تمام این‌ها پدرم به مطالعه بسیار علاقه‌مند بود و شب‌ها با چراغ مطالعه کتاب می‌خواند و مراقب بود تا خواب بچه‌ها را به هم نزند؛ به گفته مادر بزرگ مرحومم او حتی در امر درس خواندن به خواهر برادرهایش هم کمک می‌کرد. پدرم بزرگ‌مردی بود که هرگز از کار نترسید و کار کردن را عار ندانست. در هنگام تحصیل جهت گذران امور زندگی هرگز از پدرش درخواست پول نکرد و آن روزها پا به پای پدرش به کار بنایی و باغ داری مشغول بود و در مواقع ضروری جهت خرید خودکار و لوازم مدرسه حتی از تخم‌مرغ‌هایش می‌گذشت. چون می‌دانست پدرش چندین فرزند دارد و رسیدگی به همه آن‌ها برایش سخت است.

با توجه به این شرایط سخت آیا مادرتان با وجود داشتن سه فرزند خردسال از پدر گله نمی‌کرد؟

مادرم در سن ۱۵ سالگی با پدرم ازدواج کرد و چنان عشق و علاقه زیادی بین آن‌ها وجود داشت که ما هرگز شکایتی از مادرم نمی‌دیدیم. پدرم هیچ‌گاه فرقی بین مادرم که همسر فرمانده بود و فرزندان او با دیگران نمی‌گذاشت و از امکاناتی که در دست داشت جهت رفاه حال همه کارکنان پایگاه استفاده می‌کرد. مادرم هم تمام این شرایط را با جان و دل پذیرفته بود و آن چنان عشق و علاقه خاصی بین آن‌ها وجود داشت که مادرم هرگز خواسته غیرمنطقی از پدرم نداشت. این ایثار و از خودگذشتگی نتیجه تربیت صحیح و بینش درست مردان و زنان مذهبی آن روزگار بود و من امیدوارم روحیه ایثار طلبی همیشه در بین افراد این مرزوبوم زنده بماند. مادرم شیر زنی است که در تمام طول مدت جنگ در کنار شوهر و فرزندان او زندگی کرد. از مباران‌ها نترسید و با اتکا به نیروی الهی تمام توطئه‌های دشمن را تحمل نمود. البته وقتی خواهرم به بیماری آسم مبتلا شد به توصیه پزشکان ما مجبور شدیم چند ماهی از پدرم دور شویم و به شیراز بیاییم. زمانی که پدرم برای سرکشی به شیراز می‌آمد نقشه کل دستگاه پدافند را هم با خود می‌آورد و مورد بررسی قرار می‌داد و حتی در زمان مرخصی هم به امور پایگاه هوایی رسیدگی می‌کرد.



مجازی هدر ندهید و در اوقات فراغت ورزش کنید. سعی کنید تعامل را جایگزین تقابل کنید تا از زمان دانشجویی خود بهترین استفاده را ببرید.

معنویت چه نقشی در زندگی شما دارد؟

توکل به خدا و ائمه اطهار در کلیه امور زندگی سرلوحه کارهایم بود و صبر استقامت مادرم که در تربیت ما از دوران کودکی از آن بهره می‌جست باعث افتخار و مباهات من است. مادرم همواره ما را به توکل بر خدا توصیه می‌کرد و از ما می‌خواست جز از همت خودمان و یاری خدا چشم به مساعدت دیگران نداشته باشیم. مادرم به ما یاد داد که بالاترین عبادت خدمت به خلق است و از ما خواست رهرو خون پدرمان باشیم و یاد و خاطره او و تمام شهیدان غیور وطن را زنده نگه‌داریم و این میسر نمی‌شود جز با حضور پررنگ معنویت در زندگی. هرگز خود را از قرآن و معنویت جدا نمی‌دانم. از این رو بر این باورم که کمرنگ شدن معنویت در زندگی، ما را به ورطه نابودی می‌کشاند.

در آخر اگر صحبتی دارید بفرمایید؟

تنها توصیه من این است که فرزندان شهدا در هر سمتی که هستند سعی کنند بهترین‌ها باشند و حتی بهترین‌الگو برای دوستانشان باشند. از مطالعه زندگی پیامبران و قرآن و ادعیه اسلامی فاصله نگیرید. در کلاس‌های روش تحقیق و زبان انگلیسی شرکت کنید و سعی در نوشتن مقالات علمی در دوره دانشجویی داشته باشید و اجازه ندهید غم و غصه مانع فعالیت شما شود. همواره ورزش کنید و شاداب باشید و خود منشأ انرژی برای دیگران باشید... خدا را ناظر بر احوال خویش ببینید و از انجام آنچه ما را در برابر خدا و خلق خدا سرافکننده می‌کند بپرهیزید. یکی از اساتید ما همواره می‌گفت خداوندتان را درست ترسیم کنید اگر خدا را یک نیروی بزرگ بدانیم که در همه احوال با ماست هرگز دست به خطا و اشتباه نمی‌زنیم و درعین حال هیچ مشکلی نمی‌تواند ما را به زمین بزند. این تفکر ماست که دنیای ما را می‌سازد پس خوب فکر کنیم.

در پایان لازم می‌دانم از مدیریت امور دانشجویان شاهد و ایثارگر جهت برگزاری این مصاحبه‌ها تشکر کنم؛ زیرا با این اقدام روحیه ایثارگری در جامعه زنده می‌ماند و مادامی که این روحیه در جامعه زنده باشد و قشر مذهبی و تحصیل کرده در رأس این انقلاب باشند عوامل بیگانه نمی‌توانند به‌نظام جامعه لطمه‌ای وارد کنند. ▲

سلام و درود بر این زنان و مردان که دست در دست هم مشکلات را به جان خریدند و این آب‌و‌خاک را برای ما حفظ کردند.

آخرین خاطره‌ای که از پدرتان در ذهن شما مانده برای خوانندگانمان

بگویید

شب آخری که پدرم به عملیات رفت من که دختر بچه‌ای هفت‌ساله بودم و پدرم را دیربهدیر می‌دیدم دچار دلهره شدیدی شده بودم و نمی‌توانستم بخوابم به نزد پدرم رفتم و گفتم می‌ترسم اما وقتی پدرم مرا در آغوش گرفت و گفت وقتی خدا هست ترس معنایی ندارد آرامش عجیبی وجودم را در گرفت و من با خیال راحت به خواب رفتم. صبح که با صدای قرآن پدرم بیدار شدم با آن حال کودکی متوجه تغییر حال پدرم شدم. آن روز پدرم طولانی‌ترین خداحافظی را با ما داشت و ساعت‌ها با مادرم در خصوص مسائل زندگی و معنوی و توکل به خدا صحبت کرد و بعد به منطقه عملیاتی رفت. چند روز بعد و در ظهر عاشورا ناگهان با یک صدای مهیب سیم‌کشی کل منزل ما سوخت و حال مادرم که باردار هم بود بد شد و از هوش رفت. همسایه‌ها به کمک مادرم آمدند و وقتی مادرم به هوش آمد در حالی که گریه می‌کرد می‌گفت پدرت شهید شد و دقیقاً عصر همان روز خبر شهادت پدرم را آوردند.

مادر شما چگونه با این شرایط کنار آمد؟

وقتی خبر شهادت پدرم را دادند مادرم سه فرزند کوچک داشت و باردار بود. البته که غم از دست دادن همسری بزرگ و مهربان چون پدرم؛ برای مادرم که خود بیست‌و‌چند سال از عمرش نگذشته بود بسیار سخت و ناگوار بود. اوایل مادرم بسیار بی‌تابی می‌کرد. ولی بعد از آن انگار رابطه‌ای بین او و پدرم به وجود آمده باشد همواره در امور زندگی از او مدد می‌گرفت و انگار حضورش را در زندگی درک می‌کرد.

چه توصیه‌ای به دانشجویان دارید؟

معمولاً دانشجویان در سن هجده یا نوزده‌سالگی وارد دانشگاه می‌شوند و در این سن در اوج نقطه شور و هیجان قرار دارند. دانشجوی آگاه کسی است که بتواند این شور و هیجان را در خود مدیریت کند و به‌عبارت‌دیگر هوش هیجانی داشته باشد و از این فرصت به‌عنوان زمانی جهت تحول فکری و معنوی استفاده کند. دوستان از شکست‌ها نترسید بلکه از آن‌ها درس بگیرید. وقت و انرژی خود را در محیط‌های

